

اداره جبل المتین

(مدیرکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره

(بامدیرکل مؤیدالاسلام است)

مدیر اداره

(آقا محمد جواد شیرازی ست)

هر دوشنبه طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دوشنبه

(۱۹ - محرم ۱۳۲۰ هجری)

مصادف با

(۲۸ - اپریل ۱۹۰۳ میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قل اردیبهات نمودن قسم مخصوصه اداره میچ نک
 او خریداران باید میت حار را باحدی تسلیم نمایند

کَلَمَاتُ

دوم دار صحت و سقم اعلامیکه در اخبار داده
 میشود همان گمان میباشد که اعلان داده اند

اجرای اداره فقه دار صحت و سقم و ااتی مستند
 که از طرف خود منکاد به صوانات و قایم نگاران
 و صاحبان مکاتب و مقولاً از حجه رسیده اند

صفحه اول

قیمت اشتراک

(سالیانه - شش ماهه)

هند - و برمه

(۱۲ روپیه - ۷ روپیه)

ایران - و افغانستان

(۴۰ فران - ۲۵ فرانک)

عمان - و مصر

(۵ مجده - ۳ شیلینگ)

اروپا - و چین

(۲۵ فرانک - ۱۵ فرانک)

روس - و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ روبل)

(در این خرید از هر که به علوم و قایم سیاسی و منافع دواتی و فواید ملتی بحث میشود)

(مراسلات عام المنعمه مقبول و در انتشارش اداره آراست)

اشتهار

کارخانه چیت بدل حریرسازی و خانه تجارتی

(اندری بندر ناپسراش) از شهر سرانوف (در روسیه)

در منازل این خانه تجارتی اشیاء ذیل بمصرف فروش میرسد

چیت های ابریشمی - و نیم ابریشمی - و ابریشمها - و تمام بنیه

از رختون پیراهن ریری و آهاردار و زیرخانه و غیره همه قسم حاضر و موجود است و فرمایش هم

قبول میشود از جورابها و ساق کشها و غیره همه نوع موجود است

نیم ننه تن زنانه همه نوع و همه رنگ

بیم ننه زنانه معمولی و ابریشمی و همچنین بارقو و غیره

روشوارای زنانه ابریشمی از تافته حریر و هم رنگ

منازل این خانه تجارتی واقعند

در شهر مسکو یکی در کوچه (ایابن کادرخانه کونجکوا الجستوا) - و دیگری در کوچه (پتروف کادرخانه

روداکوف) - در شهر سرانوف کوچه (نیکلایوسکی رار موزی) - در ناکوبه (در پاساژشاکیدانوف)

کتابچه اصول نمونجات از مسکو بجایا جبهه خریداران محترم فرستاده میشود

این خانه تجارتی فروش میکند هم بطور کلی و هم خورده فروشی

مقتول و بچاه و دو ضرر مجروح شده اند

§ نمایندگان دول که مقیم (تینت سن) چین میباشند قرار داده اند تا وقتی که دولت چین خساره وجه تعمیر قلاع را نه پردازد و بعضی از شرایط لازمه را منظور نه نماید شهر (تینت سن) را خالی نموده و حکومت موقتی خودشان را بر قرار گذارند

(۱۵ - اپریل)

§ در دار الشورای ملی (مستر مافورد) در جواب سوالی اظهار داشت که (لارڈ کنچر) درباره مصالحا بوٹران تلگرافی فرستاده جوابش نیز ارسال گردیده امید دارد که درباره صلح مراسلات جاری خواهد بود

(۱۶ - اپریل)

§ خبر روتر اطلاع یافته که دولت انگلیس را تاکنون درباره صلح خبر قطعی نرسیده و این امر نیز تا حال غیر معلوم است که آیا سرداران بوٹر عودت نموده اند یا نه - افواه است که بعد از اجلاس خاص و مشورته وزرای مخصوص (لارڈ سلسبری) وزیر اعظم انگلستان، اعلیحضرت پادشاه ملاق شده درین موضوع بحث نموده اند

§ در پارلمان تحریک شده بود که چهار (۴) از کرک جانی تخفیف شود نکرت آراه مردود گردید

(۱۷ - اپریل)

§ (لارڈ کنچر) اطلاع میدهد که (جنرل روس هلمتن) از (مدلبرک) بجانب (استندرتن) نقل و حرکت نموده درین راه یک صد و چهل و پنج نفر بوٹران را مقتول و مجروح ساخته - از لشکریان او نیز بعضی مقتول و مجروح شده اند

§ (مستر شبرلی) برای آسایش لشکریان انگلیس مکانات چوبی تعمیر مینماید

§ (مستر جبرلین) در دارالشورای ملی در جواب سائلی اظهار داشته که در ناره مراسلات بوٹر در ماده صلح قبل از وقت بیان نمیتواند کرد - ولی امید قوی در باره صلح میرود - (لارڈ جارج هلمتن) وزیر هند نیز تقریریکه شب گذشته نموده ظاهر مبدارده که صلح قریب الوقوع است - برای بحث در معاملات صاحب سیم تلگراف (پریتوریا) نالندن مخصوص شده و دائم در بحث و گفتگو میباشند همه منتظر اطلاع از شروط

صلح اند که آیا قابل قبول هست یا نه
(۱۹ - اپریل)

§ سرداران بوٹر دیروز از (پریتوریا) حرکت کرده که با ساتر بوٹران در ناره صلح گفتگو نمایند
§ انجیان چین (اینک) را متصرف شده و سه تلگراف (داجیانگو) را قطع کرده اند

§ عقل و تدبیر رجال بلژیک تا یکدرجه غتشاش (بریسل) را آرام نموده اهالی شهر در کمال راحت و استراحت و عملجات لوا ترک سرکشی را نمودند
(۲۰ - اپریل)

§ شروط صلح میان بوٹر و دولت انگلیس تاکنون غیر معلوم میباشند افواه بسیار است که با قابل اعتدال نیست - همین قدر ظاهر میشود که سرداران (بوٹر) اندکی نرم شده و اسرار (آرنج) هنوز تحت استراحت
§ روزنامه (استندرتن) مینویسد که در (۱۷) اپریل صلح بیغامی تمام بوٹر فرستاده شده و آهار دعوت نموده اند که بتاریخ معین در مقامهای مخصوص جمع شده قرار و مدار در متارکه بعضی امور داده شود
(۲۱ - اپریل)

§ (لارڈ کنچر) خبر میدهد که در هرسه یک هفته (۴۴۴) بوٹران اسیر و ده نفر تسلیم و هیجده نفر مقتول شده اند

§ (کرنل) راجپور در (آرنج) هفتاد و سه نفر بوٹر را اسیر و ده نفر را تسلیم و هیجده نفر را قتل رسانید
§ (کادنت بیرس) بوٹر که بجانب شمال (پترسبرگ) مشغول محاربه با (کرنل کالین براندر) بود تا اکنون یکصد و سی نفر را از طرفین بقتل رسانیده

§ کم مردم در بلژیک بکار و بار خود مشغول میگرددند
(۲۲ - اپریل)

§ (لارڈ مانر) از ترسوال بجانب (کیپ تون) حرکت کرده است

§ دسته از قشون محافظ دولت انگلیس در (کرو وراس) که از مضائق (آرنج) است بر بوٹران حمله نموده پنج نفر را مقتول و بیست نفر را مجروح نموده اند

§ عملجات مسکو و نواحی آن دست از کار کشیده و اقدام به بلوا کرده اند پلیس بر آنها حمله نموده

فوج هم طلب شده است جی از طرفین مقتول و مجروح گردیده در جاهای دیگر نیز بلوا شد. ولی بشدت مسکونیت - مزدوران خواهش دارند که بر احداث آنها افزوده شود و ساعات کارشان را کم نمایند چنانچه در ساز ملك مروج است. در مزدوران (پترزبورگ) نیز هیجانی پدید آمده است. جماعت دهقانان در (پولتاوا) بسیاری از اسباب شهریان را غارت نموده سپاهیان دهقانان را منغرق نموده، ملزمین را تاراج کرده عقوبت نموده اند.

در بر معارف روس خواهش نموده بود که بروصم مدارس را تبدیل دهد - علیحضرت پراطوروی رضی شده اند این روز وزیر موصوف از عهده خود مستعفی شده است.

(۲۳ - اپریل)

در (پاریس) لندن حریق ممتد رخ شده بوده است و تخریب هم نمودار اثباتیت بوده سوخته و بیست و چهار خانه هم سوخته دو میلیون استرلینگ بحیثیت خسارت میباشد.

در (پاریس) شور و هیجان انگیز (سر پیچیل هیکس) پنج نفر را در سنه که قبل از وفات هر آنچه اخبار است می و شد شبیه در باره شرایط صلح با بوئر بحث نمود.

(۲۴ - اپریل)

با توجع حریفه در جنوب غربی لندن رسیده پس هم شهر جاری در بوچی (پتسبرگ) سه افسر انگلیسی در سه سرساز بقتل رسیده و سه افسر و آورده هر سرساز مجروح شده اند.

در شهر (پکن) اهتساح ریاضی پیش آمده امپراطریس چین در مقام (هنرینت پارک) رفته و قشون برای دفع این فتنه تدارک می نماید.

در نوردوم شهر جاری يك سردار انگلیسی مجروح شده پس هم سه سردار مقتول و سه نفر مجروح گردیده است و یکم يك سردار مجروح گردیده است.

در محرم روزنامه (طمس) از شکای خبر میدهد که دولت انگلیس بمناسبت وفات در ماده مصارف لشکریاتی چین اندکی خودداری میباشد.

در (مستر رینز) بمقوله بوئرهایکه مقیم شرقی ترنوال اند در (ملبورن) رسیده و از آنجا برای

ملاقات کاندت ماریس (کارم پتسبرگ) خواهد کردید وزیر امارت (نتال) در مجلس شورا اظهار داشت که حکومت (نتال) از دولت انگلیس در مائة صلح با بوئرین استفسار نموده است.

(۲۵ - اپریل)

در قرار بر این یافت که امپراطور و امپراطریس انگلستان بعد از ادای مراسم تاجگذاری در (کلدهال) مهمان اصناف شوند و در هزار آنها بیفزایند.

در از هفتم ملی بیست و دوم شهر روان چند سردار انگلیسی مقتول و يك نفر نیز از بیماری جان تسلیم نموده است.

(۲۶ - اپریل)

در (مستر برادرک) در تقریر خود اظهار داشته که درباره صلح با بوئر فیصله امر نزدیک بکار است - ولی قشون و سامان لازمه فرستاده خواهد شد تا وقتیکه کاملاً حاکم ختم شود و تغییر و تبدیل اداره حاکمی بعد از بیضه صلح خواهد شد - این امر را هر باید دانست که بعد از ختم بیضه جمعیت ما نسبت بوفتی که داخل (رسول) و (روح) شده ایم پیش خواهد بود.

اعلان

(ملزومات جبهه ورزش بدنی در خانه از)

(مخترعات دکتر ل - ویلات)

داشتن این اسباب برای هرکس لازم میباشد

قیمت یکدستگاه اسباب ورزش بقرار ذیل است

جبهه زنان و اطفال ۱۰ منات

برای مردان ۱۱ منات

برای اشخاص قوی ۱۲ منات

برای پهلوانان ۱۳ منات ۵۰ قنک

(الختراع مخصوص)

یکدستگاه تمام ملزومات ورزش جبهه اهل خانه ۱۴ منات

قیمت اسباب مذکوره با مخارج فرستادن روی هم است

دستکش موسوم به "Jacques Royal" که

جبهه دستهایکه هرق میکند نیز هست

محل فروش در مسکو (روسیه) در مغازین

(ژاک) در کوچه (پتروکا)

﴿ مختصر حالات شریعه کوفه ﴾

(یعنی آبادی جدید شهر کوفه)

مؤید الاسلام - شریعه کوفه الحال بندرگاه بصره و نجف اشرف و عسکله تجارت تمام عراق عرب است قریب هزار خانوار از عرب ، هم در آنجا جمع شده اند اطراف شریعه از چهل پنجاه سال قبل رو به آبادی نهاده - مؤسس باقات این شهر ابتدا مرحوم (حاجی محمد جعفر) بهبهانی که از تبعه دولت علیه ایرانست شد آن زمان این شهر بیابان و در وادیهای غیر ذی زرع بشمار میرفت آن مرحوم خود و از حاشی از بهبهان بزم مجاورت نجف اشرف آمده کم کم متصدی احداث باغستان کوفه و سه شد و درخت حرهای بسیار باکال مشقت و صعوبت از بصره جلب نموده در باقات مذکور غرس نمود الحال باغستان و نخیل کوفه از باقات و نخلستانهای معظم عراق عرب است

من جمله - بنای شهر و بیوت شریعه کوفه در عهد سعید اعلی حضرت سلطان عبدالحمیدخان خلد الله ملکه و سلطانه شد - بیست سال قبل مرحوم جنت مکان (حاجی میرزا مسعود تاجر) بهبهانی تجدید این شهر عظیم را نموده با سرو مساعدت حکومت جلیه با اقارب و اتباعش از تجار بهبهان همدست شده بنای آبادانی گذاردند این جماعت تجار بهبهانی تمام تبعه دولت علیه ایران هستند - بدو ایک راسته بازار طولانی صکه مشهور است به (بازار قدیم) باسراهای متعدد و خانه و بیوت زیاد بنا شد - سپس تجار و معتبرین ایران و غیره نیز باکال شوق و سرگرمی به تعمیر این شهر شهر قدیم اقدام نمودند -

منجمه جناب مستطاب شریعت مدار همانا العلماء (حاجی سید عبدالعظیم) خلد خالی زاده که از سال سنه (۱۳۱۲) تاکنون کمال جهد را در تعمیر و آبادی این شهر نموده بالغ بر ده هزار ایبای عثمائی از اموال عالمانه خود بجهت استراحت هموم اهالی از عرب و هم صرف کرده است ؛ چنانچه دو حلقه ساخته یکی زلفه

و دیگری مردانه حمام مردانه او بسیار بزرگ و ممتاز است میتوان گفت فعلاً در عراق عرب و هم تانی ندارد این چند ابیات را مرحوم (سید جعفر) حل گفته بسنک کافی آورده بالای در حلقه کار کفاره اند

باب العماد به قد ساد
عما اهل العلم والا جهاد
اظهرها تیک التي مثلها
لم یخلق الله لنا فی البلاد
بذاته حکم تاسیسا
قارحوها حکم ذات العماد
(۱۳۱۵)

علاوه بر اینها راسته بازارهای معتبر و سرا و بیوت متعدده و قهوه خانه ها احداث شده - تجار و معارف عرب و هم اقدام در آبادی این شهر دارند - فعلاً قریب پانزده سرای تجارتی در لب شط فرات ساخته اند و علاوه بر این خانه های وقتی بسیار بجهت رفاهیت زوار و مسافرین تعمیر شده و مرقد مطهر حضرت نبی الله (یونس) علی نبینا و علیه السلام که سابقاً چهار طرفش آب بود از مساعدت تجار محترم ایرانی چهار اطرافش بر شده خشک گردید - و در جنب مقبره حضرت (یونس) مسجدی بود از مساجد قدیم شریعه کوفه جناب عمداالتجار والاعیان (آخوند علی صاحب) تاجر بهبهانی تجدید و تعمیر آن مسجد را نمود اینک معروف است (بمسجد الحمراء) و جناب خلد ایشان آقا سید جعفر مزبور طاب ثراه بجهت تعمیر و تجدید این مسجد تاریخی انشاء نموده بالای سر در مسجد محکوم نمودند

المدقه القی من فضله
احیی جیل مآثر القدمات
قد جدت آثار مسجد یونس
باجل تاسیس و خیر بناء
یا طالب الاممال فی تاریخه
اعمل فهنا مسجد الحمراء
(باقی - دارد)

مکتوب

§ واپور دولتی را از انزلی رئیس کرکانهای سواحل بحر خزر (میوه‌سالیس) برای تعمیر بسادکوبه آورده بود - از بادکوبه بعد از توقف و اقامت چند روز عودت انزلی نمود - سابق واپور دولتی را که برای تعمیر بسادکوبه می‌آورد چند تن از سران اب و نانی بایدشان می‌شد - از جمله کپتان او در مصارف تعمیرات دخل و فایده کلی می‌برد - و بیکاری یکی نیز که ریاست کشتی باو بود محملات بی‌اندازه بر او می‌افزوده صورت مصارف تعمیر را دولتی می‌کرد و قتیکه صورت حساب عمر که معرفت بناه برخدا - این دفعه وزارت کرک رئیس کرکات سواحل بحر خزر را مأمور نمود واپور را شخصاً بسادکوبه آورد در یکی از کارسججات آنجا کنطرات داد که در مدت معین کشتی را کارخانه موصوف تحویل دهد - چنانچه رئیس کرک انزلی و سواحل بحر خزر کشتی دولتی را شخصاً بسادکوبه آورده ترتیب مرمت او را کنطرات داد بعد از مدت معین باز به آنجا رفته تحویل گرفته بازلی خواهد آورد

در حقیقت عجب بیرونی است که بلژیکی‌ها پیش گرفته و نان صاحب منصبان عیاره را می‌برند - حالا که اینطورست آنها هم واگذار بخدا کردند ریاست کرک درین سفر که از بادکوبه مراجعت نمود تدارک همی برای ترتیبات کرک دیده از جمله صندوق آهنین بزرگی که هفتاد (بود - ده خروار) وزن اوست برای کرک خریداری کرده نصب نموده است - از این به بعد تحویلدار کرک پولها را جمع کرده بید در آن خزانه بکفارد و هفته یک روز وکلای بنک بیایند در کرک عمل کرد موجودی را از عویلهای تحویل گرفته قبض رسید بدهند - چند نفر اجزای خروج نویس کرک در اموال طروجی قفل بکرک نموده گرفتار شده‌اند - میگویند با تاجرها ساخته بودند کویا ثابت هم شده‌است

رای پوست ادویه کرک انبساط و مشغول ساختن هستند این انبار را برادران طومانیالیس مشغول ساختن است و بعد کرک اجاره خواهد نمود

واقعه حیه

§ شب پنجم شهر جاری یکی از اهالی لکنی که موسوم به (عبدالرحیم کریم بخش) بود با دو نفر رفقای خود وارد بمبئی شده در (پندی بازار) سکونت اختیار نمودند - یوم بعد از آن ما یکی از رفقای خود در دکان جواهر فروشی که موسوم به (ناکو بهانی کھیلا) و در محله (شیخ میمن) واقع است دانه زمرد بسیار مجتازی که حروفی چند هم بروی آن حکاکی شده بود با اسم آنکه ملک یکی از بیگات است برای فروش پیش نموده ما شخص جواهری ه هشت هزار روپیه فیصله قیمت مینمایند دانه زمرد را جواهری مزبور نزد ایشان گذارده داخل حجره خود میشود که وجه آورده قیمت آ را به پردازد بعد از لمحه بازگشته چهار هزار روپیه نقد و چهار هزار روپیه نیز بچک بنک بانها تسلیم کرده دانه زمرد را متصرف شده محفوظ میدارد و حضرات فروشنده راه خویش میگیرند - جواهری مزبور روز دیگر ملاحظه دانه را نموده که در جای آن سنک آبداری موجود و زمردی در میان نیست پلیس را ازین واقعه مطلع کرده (عبدالرحیم کریم بخش) را با چهار هزار روپیه بچک بنک و سی روپیه نقد که در نزد او بود گرفتار مینمایند معلوم میشود رفتار از بمبئی رفته‌اند هنوز حقیقت ماجرا معلوم نیست و پلیس تحقیقات کامل مینماید

سزای بد عملی

§ در (بارونی بود) جوان هندوی با دختر همسایه خود بناچار آشنائی میکند - اقرب دختر مطلع شده جوان را تنها یافته سر و روی او را با چوب و سنگ خسته بحالت نیم جان در جنگش می‌اندازند - پلیس خبر یافته با چند مجروح به شفاخانه‌اش آورده در شفاخانه جان تسلیم نمود فیصله مقدمه او تاکنون بتجدد است

حیدرآباد دکن

§ جناب (لاردرزن) فرمانفرمای هند با همراهانشان از شکارگاه بطریق غیررسمی ساعت چهار و پانزده دقیقه عصر مراجعت بحیدرآباد نمودند - زوجه محترمشان در ایستگاه راه آهن ایشان را استقبال کرد روز دیگر علی الصبح فرمانفرمای هند با همراهیان خود بجانب خانه وزیر رهسپار شده برخی از جاهای دیدنی را ملاحظه نموده خصوصاً (انکرخانه) را که خیلی تماشاست - قرب پست هزار نفر از لنگرخانه عبور کردند پلیس در حال نظام مشغول بانظام بود (میجر السراهوره) که سردار قشون است از حسن انتظام مستوجب تمجید و تعریف گردید - بعد از تماشای (انکرخانه) جناب (لاردرزن) با دوستان غیر مدعوین دیگر بدهوت تمام حضور تشریف برده عصر همان روز در قطار راه آهن مخصوص از حیدرآباد دکن حرکت فرمودند

بصره و نواحی آن

§ بموجب اخبار متواتره که از خلیج فارس رسیده املیت بکان برقرار است و بعض افواها صکه در الفتشاش بعضی از قبائل عراق اشاعت شده بود بی اصل است قشون ترك طایفه زیدی را ادب کرده نقصان زیادی بایشان رسانیده اند - لشکر ترکی در جزیره (بایان) که نزدیک (کویت) است قیام دارند و امیر ابن الرشید در (لینه) توقف دارد تا اکنون چگونگی (کویت) ظاهر نشده و فیصله امر نیز معلوم نیست

محاسن اتفاق

§ بزرتان در باره اتفاق سروده اند -

مورچهکان را چه قند اتفاق

شیر زبان را بدراند پوست

در هندوستان طبقه جاروب کشان از سایر طبقات پست تر و ناچیز تراند - در شهر (مراه آباد) این طبقه بعضی از کار کفیده حکومت علیه و رئیس اداره تنظیفیه - بهیچ وجهی نگردد آنها را آرام نموده بلز

بر سر کار خود آورند نتوانستند - طاقت پلیس طلب کرده بلوا بالا گرفت بکنفر این طبقه مقتول و چند نفر از طرفین مجروح گردیدند - علت این فساد را چنین مینویسند که اداره تنظیفیه به حکم نموده بود که آنچه از خاکهای مسارات مجزوبه را که جاروب کشان رای بر کردن کودالها بمعرض بیع در می آورند وحه آن باید بسندوقفخانه اداره تنظیفیه جمع شود - آنگاه زیر بار این قانون جدید زرقه ترك کار گفتند - طاقت قرار بر این یافت که بعضی از مدحول را جاروب کشان به برند و برخی نیز نصیب اداره تنظیفیه گردد - بعد از فیصله این امر مجدد این طبقه شروع بکار خود نمودند -

آری محاسن اتفاق بالا تر از آن است که بتوان شرح داد جای - سوختن دل اینجاست که در سایر ممالک در ماده مضار و منافع نوعی که منتهی بشخص میشود حق پست ترین طبقات هم اتفاق میکنند و در ایران طبقات عالی نیز اتفاق ندارند بلکه مضار و منافع نوعی و شخص را ملتفت نیستیم و معنی اتفاق را میداجم

جالاکی

§ در هر قوم مردمان صاف ساده بسیار اند انگلیسان بواسطه حسن تعلیم کمتر کول میخورند تا این همه مردمان بزرگ دست از سرشان بر نمیدارند (دسوزا) نام شخصی انگلیس است که در عیاشی قیام دارد - مدتی بود از درد باشکایت داشت روری یکی از درویش هنود ویرا دیده گفت میخواهی درد پای تو را رفع نمایم ؟ در جواب گفت آرزویم این است درویشی بزبان خود بعضی کلمات خوانده (مثل اینکه دعا میخواهد) و کم پای خود را بزمین میباید سپس يك دانه (مارچیل) بدست مریض داده امر نمود که به پای خود لب دریا رفته (مارچیل) را در آب بیندازد - مریض نك نك بجانب دریا روان و درویش در خانه وی مشغول بسلطبات بود از زوجه مریض چند قطعه زبور خواست که برای تسکین عملی بر آنها دعا

خوانده بدو بسپارد. ضمیمه نادان هم چند قطعه زیور که قیمت آن بالغ بر یکصد و سی رویه بود بوی سپرده پس از خواندن دعای مخصوص زیورات در دست مالی بسته تسلیم ضمیمه کرده امر نمود که تا چهار بوم دستمال را باز ننماید. بعد از تتم عمل خود درویش راه خویش گرفت و مریض از کنار دریا عودت کرد. چون درد بایش پیش شده بود شك نموده ضمیمه دستمالی را که زیورات در آن بسته بود آورده کشوده دید (جای تراست و بجه نیست) هر قدر عقب درویش گردیده نیافتند (تا یافته دم دو کوش کم کرد)

مکتوب از قفقاز

بسی از دوستان چنین میسراید. بواسطه انتشار مسافرت اعلیحضرت اقدس همیونی بفرنگستان از وزارت کمرک عمالک محروسه برئیس کمرکات سواحل دریای خزر احکام ذیل صادر شده است
اول - جهاز دولتی را برای تعمیر بیادکوبه ببرند
دویم - برای تعمیر عمارات دولتی از بادکوبه معمار و غیره بیاورند و بزودی مشغول تعمیر عمارات سلطنتی شوند. چه اعلیحضرت اقدس شهریاری درین سفر اراده دارند از طریق بندر مموره انزلی رونق افروز فرنگستان شوند. یعنی از راه خشکی کنسار دریا تا آستارا و از آنجا نیز از کناره داخل خاک روسیه کشته بمحل مقصود رهسپار گردند

رئیس کمرک انزلی بر حسب امر و اجازه وزارت کمرک جهاز دولتی را بیادکوبه آورد و همانجا نیز عمارات دولتی را بموجب حکمتنامه که همراه داشت با مهندسین و معماران کنطرات داده که در مدت چهل و پنج روز بیابند انزلی عمارات را ساخته و پرداخته تمویل میکنند و مبلتی را سکه کنطرات نموده اخذ و دریافت نمایند. اکنون ده روز است عمل و معمار و نجار و مهندس از بادکوبه بازلی وارد مسکو گردیده و مشغول تعمیر عمارات دولتی هستند ستونهای عمارات و بئیره و غیره را المیز نو بطرز

آینه سازی روسیه و فرنگستان دارنده درست میکنند چقدر هم خوب و پاکیزه میباشد

خدا جزا دهد معمار باشی سابق را که پارسال همین عمارات را مزمت و تعمیر کرد. صرف کاری که نمود ستونهای عمارات را واجیده دوباره همان ستونها را بجای خود نصب کرده قدری رنگ نیلی بیروغن آنها مالیده از کار دست کشید و بی در پی از طهران برای مصارف پول میطلبید. در صورتیکه سه هزار تومان بل چهار هزار تومان برای مصارف داده شده بود. همین قدر که ستونها راست شد چهار هزار تومان از میانه رفت. عاقبت کار بجائی کشید که مشارالیه بطهران احضار شد افسوس آنجا کار خود را ساخت امسال از طریق انزلی بزم زیارت بیت الله الحرام بکبه مقصود شتافت چه خوش میگوید مثنوی معنوی حج زیارت کردن خانه بود

حج رب الیت مردانه بود

آن بولهای حرام که اظهر من الشمس بود صرف راه حجاز و مکه جاژ نیست بشود

و نیز میگویند صید ماهی امساله انزلی نسبت بسنوات سابقه خیلی ترقی و تفاوت کرده (شیلانی) را که (آقا ناز اوف) به نواب مترجم کارپرداز همسایه برکنار کرده یعنی اجاره باو میدهد و او بمعین دیوان برکنار میکند و معین دیوان در میان اجاره داران تقسیم مینماید یعنی آنها مرداب انزلی که در آنها صید ماهی میشود جزء جزء بلجاره میدهد بتفاوت قیمت. مثلاً فلان نفر که اجاره او سه هزار تومان است. تا این تاریخ که اول ماه ذیحجه الحرام است دوازده هزار تومان عمل دارد در صورتیکه چهل روز دیگر هم اختیار صید و وعده او باقی است.

خدا اگر بتو داد است ذوالفقار دو سر

بمن حواله

هریک تومان پنج تومان المشافقه بر ایمان قائمه خواهد کرد تمام حقوق دولت بدین قسمها بیحال میشود

اعلان

برای کسانی که خواستگار رواج اشتهای تجارتی خود در ممالک خارجه مثل - ایران - ترکی - مصر - عربستان روس - افغانستان - ترکستان - و غالب ممالک اروپا و عامه بلاد آسیا میباشند روزنامه جبلالتین (که فقط یک روزنامه فارسی زبان در هندوستان است و محل توجه تمام اسلامیان و غیره واقع گردیده) بهترین وسیله است صفای طبع - حسن حرف - و همدی کاغذ آنرا اگر منحصر در فرد کوشم باهراق سخن نگفته ایم - مفترکین این روزنامه علی العموم امرا و عماید و تجار محترم و ارباب سیف و قلم اند - و بدون استثناء در تمام روی زمین کم یا بیش اشاعت می شود - هر کس هر گونه اعلان تجارتی و غیره تجارتی داشته باشد مطابق نرخ نامه - اداره در تمیلش حاضر است - اعلان را بهر زبان خواستگار باشند بهمان زبان در اخبار داده خواهد شد و اگر ترجمه آن را هم بفارسی بخواهند (پس از تصفیه اجرت ترجمه که علاوه بر اجرت طبع اعلان است) اجزای اداره به ترجمه آن اقدام خواهند نمود - یقین است هر اعلانی که در این اخبار داده شود تا یک درجه مقرون بکامیابی خواهد بود (ملبجر جبلالتین)

اجرت ماهانه طبع اعلان

صفحه اول	منهای لوحه	۴۰	روپی
دوم		۳۷	«
«		۳۵	«
«		۳۲	«
«		۳۰	«
«		۱۶	«
«		۱۰	«
«		۷	«

این نرخ نامه برای ششماه یا یکسال کامل میباشد

اعلانیهای کوچک چهار سطری یک مرتبه بگروپی

شرح اجرت طبع کتب و غیره

اعضای مطبع بهرابط ذیل برای طبع هر گونه کتب عربی - فارسی - اردو - و غیره حاضراند § (اول) - اجرتیکه ذیلا در نرخ نامه معین شده

فقط برای نوشتن و یا حروف چیدن و طبع کردن کتاب است - قیمت کاغذ و اجرت صحافی و جلد بندی و غیره بذمه مالک کتاب میباشد - ولی اجزای مطبع مستعداند که بهر قسم دستور العمل داده شود تمیل نمایند

§ (دوم) مطبع ذمه دار است طبع مطابق نسخه اصل است

§ (سوم) - میزان یک جزو را چهار صفحه یا دو ورق جبلالتین قرار داده ایم - اعم برایتیکه همان قطع را چهار صفحه یا هشت صفحه و ناشازده صفحه قرار دهند یک جزو محسوب خواهد بود - اگر اندکی (یعنی تا نیم انج - ربع کره) قطع کاغذ کم و بیش باشد بهمب اجرت محسوب خواهد بود

§ (چهارم) حروف درشت و متوسط و ریزه از ملاحظه لوحه اخبار جبلالتین ظاهر میتواند شد

§ (پنجم) - خط مطبوعات سنگی مطبع اعم از نسخ و نستعلیق و شکسته مطابق خطوط متوسطه رسائل بمبئی و سایر بلاد هند خواهد بود

§ (ششم) - برای مدت طبع بعد از تصفیه تمام امور فی جزوی ده روز مقرر است

§ (هفتم) نصف اجرت طبع پیش گرفته میشود و نصف دیگر پس از اتمام نصف (ملبجر مطبع)

• نرخ نامه •

فی جزو حروف ریزه حروف متوسط حروف درشت حلی بن حلی
هزار نسخه ده رویه نه رویه هشت رویه هفت و نیم رویه
پانصد نسخه هشت رویه هفت رویه شش رویه پنج و نیم رویه

سوانح عمری جناب حاجی زین العابدین آقا قلی اف

(نمره ۵)

§ در بذل مال بملاحظه که جاهلان وادی ضلالت و ذلت را بمر منزل هدایت و معرفت برساند خست نورزید - و میداست احیای نفوس هموطنان مقدس (که در ظلمت کده بی علمی آفتابه) و نجاشان بیرکت علم و تربیت است و تحصیل هفتس و معرفت بدائر بودن

مدارس و مسیحا کردن مکاتب است - و هیچ ملتی از ملوک -
 عالم و هیچ دولتی از دول معظم بمقاصد خود کامیاب
 نشدند تا طبل علم فرونگرفته ریخته جهل و نادانیا
 از آتش معرفت و دانائی سوختند - و تفوق یافتن
 دولهای بی اسم را از همکنان در اندک زمان بمساعده
 بذل توجهات بزرگان آندولت - و پیش افتادن ملت‌های
 بی نام را از دیگران بمجاهده صاحب ثروتان آن ملت
 دید - و ملاحظه کرد تحصیل علوم و صنایع و تعلیم فنون
 و بدایع در ملت اسلامی خصوصاً هموطنان عزیزش
 بواسطه نبودن مدارس نایابست - و پس افتادن این ملت
 مسلم از سایر ملل معظم به نبودن مکاتب و مدارس
 بوده - و میتوان بمدت قلیلی طایفه کثیر را به افتتاح
 مدارس علمیه و ضعیف به شامه معرفت و دانائی
 رسانید - و کلی ترقیات در این ملت عقب افتاده از برتو
 آفتاب تربیت حاصل نمود - لهذا مدرسه اسلامی در
 کمال سرعت و شتاب بنا نمود و به اندک زمان از
 حسن توجهات کامله خود مدرسه را با تمام رسانید و
 ملحقین مامر که شهادت نامه در فن خود داشتند
 طلبید و اطفال ایام مسلمة آنها را جمع نموده بتعلیم واداشت
 و نیمی مصارف و مخارج آنان را از کیسه قنوت ادا
 نمود و هر بیست طفل در سالی هفت هزار پانصد منافع
 روسی که هرسانی پنج قران نیم ایرانی یا دوازده
 صدوشیم عثمانی است مخارج و مصارف داشتند - تا این
 اطفال آراسته علوم و فنون مکتبته از مدرسه فارغ
 التحصیل بیرون آمدند - از شروع این بنای مقدس و
 این خیال اقدس بدرس تا هنگام فراغت از تحصیل
 پنجاه و هفت هزار هشتصد و چهل هشت منافع حساب
 جمع آمد که (حاجی) نیمی را از کیسه جوائمردی
 کارسازی کرده و در راه ناز پروردگان ابناء وطن
 مقدس اسلامی خود داری نکرده - حال این اطفال
 فارغ التحصیل که از مدرسه بیرون آمده هج سرت
 و نشانی و لوح و ابسالن دارند که فوق اوستحور
 نیست همه دارین السنه مختلفه و جنون و علوم متفرقه

که از کسب و تحصیل ان علوم بلیقی عمر را درمهد
 راحت استراحت مینمایند - و بر احدی محتاج نمیشاند
 بلکه اغلب مردم محتاج به آنها هستند - بواسطه نور
 معرفت که از رخسارشان نمایان و افراق تربیت
 و دانشمندی که بر وجودشان تابانست - مجدداً (حاجی)
 اطفال یتیم بی کس را پیدا کرده بجای آنها دومدرسه
 بجائی مذکور خود امر و مقرر فرموده تا اینسهم
 مثل طبقه اولیه بمراتب علمیه و تربیت به اندک زمانی
 ارتقا جویند - و علاوه بر تأسیس این مدرسه مختصی
 ایام بجایی که متحمل بود - محض رعایت تربیت
 عموم هموطنان و اطفال مسلمانان نظارت چهار مدرسه
 دیگر را از دولت هیئه روسیه درخواست نمود و حق
 نظارت که سالی دو هزار منافع است متقبل گردید
 (چه که مرسوم است در بلاد خارجه اگر کسی
 بخواهد به نظاره و سرکشی و امتحان نمودن اطفال
 بمدرسه نایل کرده مقداری حق نظارت باید بقانون
 آن دولت بدهد و حق نظارت در روسیه دو هزار
 منافعست) و باین چهار مدرسه هم سرکشی میفرمود
 پس از آن ملاحظه کرد که آفتاب معرفت و دانائی
 در شهرستان تابیدن سکرفت و جسته جسته انوار
 تربیت و ینانی ظلمتگده های جهل و نادانواروشن
 نمود - نظر توجه و ملت برسی بسوی (کندستان) که
 نواحی شهر (بادکوبه) میباشد انداخت و گفت باید
 از اشعه انوار علم و تربیت اطفال یتیم دهات را کاز
 مرحیثیت مثل سایر ناس و نوع بشر استعداد طبیعی و
 ظرفیت فطری دارند ضیابخش نمود - چه که اغلب آنها
 بواسطه نداشتن بعضی علایق از سایر خلایق بمراتب
 بیشتر میباشد - باید ساحت مزارع خشک شده آنها را
 از آب ابر رحمت تربیت و معرفت حیراب کرد و
 مدرسه صراحتاً بنا نمود و باب علم را برای هموطنان
 مقدس اسلامی کشود - ابتدا در قریه (مردکان) که
 سه میل مسافت تا بادکوبه دارد مدرسه بنا نمود
 که بجایه قره مو آنجا کنجایی داشتند باشد و بجایه

از اطفال یتیم مسلمانان را به نج شهر جمع مسکونه و مخارج و مصارف همه متعهد گردید . و مقرر شد تا اینها آنها را به آموختن عقاید ملت و طریقه شریعت و بعد بقون زراعت و رموز خلاعت و باغبانی و آبیاری را کاملاً تحصیل کنند . و همچنین زبان مسلمانی و روسی را بقدر احتیاج آشنا کردند . و این مدرسه از ابتداء شروع و تا زمانیکه اطفال موصوف فارغ التحصیله بیرون آمدند سی و سه هزار یک صد و چهل منای جبلتان از بنا و مصارف اطفال حسابش جمع برآمد در حقیقت این موهبت و مردانکی لطفی بزرگ و بخششی فوق الطاقه بجهت اهل ده بود و از برکت این موهبت کریمانه کم کم آثار تربیت و معرفت از هر گوشه پدیدار گردیده در آن صوب جمال خوشبختی در آئینه تمدن مشاهده گردید و (کنندستان) که دهات باشد همچون شهرستان اطفالش با تربیت و در عمل زراعت در کمال مهارت بد طولاً به مرسانیدند و از پیرمردهای صد ساله و قوفشان در این فن بمراتب بیشتر بود هر کجا نور معرفت رو کرد

کاشفی را چه باغ مینو کرد
ساخت ویرانه را چنان آباد
که همه زشتیش چه نیکو کرد
(باقی دارد)

مقاله یکی از دانشمندان

(شماره ۵)

(نیروی دولت ایران)

ای ارباب حل و عقد امور جمهور وقت آن گذشت که جعم و کوش بستی ملت را آرزو نباید حسها بیدار شده و یک ثلث از جهت مجموعه ملت ترقی طلب گردیده اند . ولی آنان راه ترقی را نمیدانند بعضی چنان بنیافت که زبانانی مایه ترقی است و حال آنکه تصور نمیکند جلالت و همراه چنان فرانس و انگریز و روس زبان را خوب میدانند ولی باز جملک و مزاجی میباشند و بر وفق مغزینک آبی و سر یا غلبیدن و با

کرد و چنگال غذا خوردن و با کاغذ ماتحت خود را بش کردن و از قید شریعت کردن کشیدن را اسباب ترقی دانستند . و گروه گروه بسوی اینگونه اعمال قبیحه و رذالهای ناشایسته میشتابند و برخی کونه یتیمان که ملک و قاب امور جمهورند از پیدایشی ضعف علما را مایه سلطه خود میدانند . وجود مردمان سابق الذکر را فوز عظیم می شمارند . رفته رفته اسباب اختلال دین و محو دولت فراهم آمده و می آید زیرا چنانچه در مقالهای سابقه با ادله مقننه ثابت نموده ایم که دوام و بقای دولت جبر بوجه دیانت ممکن نشود بود

پس باید وسیله بر انگیخت که کوهکان و نولوکان ما بوجه دیانت و ملت ترقی نموده و جهة حفظ دین و آئین و طبقه شاه پرستی را از فرائض شمارند . باید در تکثر مدارس و توحید بروضام مکاتب بوجه دیانت کوشید تا پس از آنکه نونهالان وطن قارع التحصیل شوند متدین و شاه پرست و وطن دوست باشند . آیا دولت انگریز و آلمان از دانشمندی ملت چه مضرت دیده اند همیسا امپراطور آلمان که پادشاه آن ملت عالم است چه اقتدارها را ملک نیست . آیا (بسمارق) در سایه دانشمندی ملت بلند آوا نکرید . مسلم است تا ملت آگاهی حاصل نماید و حق و قوی خود را نشناسد و بحفظ او ناائل نکرده دولت پرست و وطن دوست نشوند شد

این اطاعت حالائی ملت مایه اقراض است بحق خالق اکبر و مالک کل قسم است که از اکثر بزرگان قوم شنیدم که با کمال بی شرمی و بی دردی در آرزوی اقراض دولت و استیلائی دشمن و بیگانه بوده اند این بی غیرتی از عدم آگاهی و ضعف ایمن و یأس از نیل بحق و قوف لغات میناید . و جمهور طلبی از تحصیل زبان فرانسوی است باید بکودکان علم آموخت نه زبان هیچ از خاطر نمیرود و روزی در اسلامبول در دبستان ایرانیان در صنف دوم رعدی بکودکان صری تاریخ با حکایت میخواند و گفته میمانی که در عهد

هر سلطان در تحت تصرف دولت علیه ایران بود
 کودکان می نمودند. کودکی محمد نام که دوازده سال پیش
 نداشت نخست حدود ممالک ایران را در عهد سلطنت
 نوشیروان از مملتحقیق و پس از آن حدود حالیه را
 تقبیش نموده و با نظر دقت هر دو حدود نگاه متأسفانه
 کرده و بی نامانه آغاز بگریستن نمود. و چنان حالتی او را
 رخ داد که ما و جمیع کودکان را بی تاب و گریان نمود
 بی علم ادیان اگر با عمل توأم گردد انسانرا بر ملک
 تقدم میدهد. و علم ابدان را هم اثر با وجهه دیانت
 در پس و آموزگار از روی غیرت ملی با محاکمه بشاگرد
 درس دهد ملت را بشاه برستی و وطن دوستی سوق
 مینماید. و همینکه ملت استفاده از حقوق خود نمود
 و حق و قوتش از تجاوز دشمنان دین و دولت مصون
 ماند. در مقابل هرگونه ممالک سینه سپر مینماید و هجوم
 بر چنان قوم بازیجه و آسان نیست اینک دشمنان
 منحوس ما آناً فاناً محدود ممالک محروس تجاوز مینمایند
 یکی (فیروزه) و (کبد قابوس) را متصرف میکرد و
 دیگری تا بچهار فرسخی سیستان خود را رسانده و
 در آنجا قامه و استحکام میسازد. سبب آنست که میدانند
 بزرگان ایران اهالی را از حقوق خود محروم داشته و
 میدارند. باب عدل را بر روی اهالی مسدود داشته.
 و طریق جفا و جور و ستم را بر روی آنان کشاده.
 و علاوه بر آن اهالی را از وطن و حدود وطن و
 معنی وطن غافل گذارده. و دائم آنان را بطرف بیدینی
 و اتحاد سوق مینمایند. اگر همه اهالی ایران بمرض
 مهلك شرب افیون مبتلا گردند آنان را كيك نمیگرد.
 آری مردم اگر دین داشته باشند و عالم و آگاه و هوشیار
 مانند بوجهه دیانت و وطن پرستی در حفظ حوزه اسلام
 و وطن مقدس میکوشند و اگر اندك بیدار باشند هرگز
 متحمل متجاوزات آنان نمیگردند و دست یغماگران
 را از خزانه دولت که بیت المال مسلمین و روح سلطنت
 است کوتاه مینمایند کجا روایت که بعد از شاه شهید
 کسر عمل بخرانه ملایه دوپست و چهل هزار تومان و

فرض دولت سیصد هزار لیرای انگریزی بود و در
 ظرف چند سال با آنکه بر ایراد کرک سالی چهار
 مکرور افزوده تخمین کسر عمل قریب به دو کرور
 برسد و بیست و چهار کرور استقراضی معلوم نشود
 بکجا رفت -

بلی پس از آنکه مستوفیان با انصاف
 قبوض بلاوجه قوی ایل را تخا قوی ایل نموده بقدر
 کرورها از میان به برند و يك برات را چهار دفعه
 بخرج دیوان اعلی بدهند و هیچ در قید ناموس دین
 و دولت و ملت نباشند کار بهتر از این رنگ کسب
 نخواهد نمود. این شهریار دل آگاه رحمت پرور ترقی
 خواه محض آنکه دخل دولت بر خرج تقوی کبرد و
 اسباب ترقی فراهم آید سه کرور از مخارج سرای
 سلطنت کاست هجیا چهار کرور اظافه کرک سه کرور
 تخفیف خرج کفایت نمیکرد که باید سالی هم دو کرور
 کسر عمل بیاورند

ای بزرگان ایران با دیده بصیرت و فیه بن
 حقیقت بسوی دشت افریقا نظر نهاید و از روی
 انصاف در نزد وجدان خود محاکمه کنید (باقی دارد)

➤ افضل الاعمال ➤

§ دفتر اطانه مدرسه شرف سادات که بتوسط
 جناب مقرب الخاقان میرزا داؤد خان ویس قونسول
 دولت علیه ایران در ولاد قفقاز باز و وجه اطانه
 که جمع شده بقرار ذیل است

- منات
- لساخانم عیال مرحوم محمدعلیخان سرتیب ۱۰۰
- میرزا داؤد خان ویس قونسول دولت علیه ایران
- در ولاد قفقاز و پتروسک ۵۰
- آخوند حاجی ملا اسمیل آقا واعظ ولاد قفقاز ۳
- حاجی رضا آقا حسن اوف تاجر خانه ۲۵
- حاجی محمد باقر علیوف تاجر تبریزی و سکیل
- روزنامه مقدس جبل التین ۲۰
- حاجی محمد حاجی علیوف طویجی ۲۰

•	جبار علی ولد قاسم محقانی	•	منات
•	اوستاد عبدالعلی ولد آقا تبریزی	•	
•	مشهدی صالح ولد باقر تبریزی	•	
۳	مشهدی محمد صادق ولد علی اصغر محقانی	•	
۴	کربلای عباس ولد عابدین	•	
۴	کربلای اصغر محمد اوف تبریزی	•	
۳	آقا ملا باقر رضا یوف خوئی	•	
۳	اوستاد اکبر قاضی یوف تبریزی	•	
۳	مشهدی آقا حسنوف تبریزی	•	
۳	مشهدی جمهر صادق ولد عابدین دیلمقانی	•	
۳	مشهدی مهدی بایرام اوف دیلمقانی	•	
۳	صادق بك رسم اوف تبریزی	•	
۳	مشهدی مجتبی ولد اسمعیل محقانی	•	
۳	مشهدی قاسم ولد خاتم خان	•	
۳	مشهدی عباسعلی ولد ابانوردی	•	
۳	مشهدی حسن ولد آقا حسن تبریزی	•	
۳	مشهدی حیدرعلی قاسموف محقانی	•	
۳	میرزا لطفعلی ولد عباسعلی محقانی	•	
۳	مشهدی صادق ولد هادی تبریزی	•	
۳	محمد حسین ولد علی تبریزی	•	
۳	مشهدی حسین ولد حاجی بابا دریانی	•	
۳	تقی ولد محمد سیک تبریزی	•	
۳	اللهووردی ولد عابدین محقانی	•	
۲	اوستاد محمد باقر صادق اوف تبریزی	•	
۲	مشهدی علی دانی ولد آقا خانم	•	
۲	احمد ولد مه زبا باقر محقانی	•	
۲	مشهدی محمد حسین ولد حسن تبریزی	•	
۲	شاطر صادق ولد مهدی خانم	•	
۲	عبدالحق ولد عبدالحسین اصفهانی	•	
۲	مشهدی حسن ولد مشهدی محمد خانم	•	
۲	مشهدی شفیق ولد باقر تبریزی	•	
۲	جبار ولد حاجی محمد تبریزی	•	
۲	مشهدی قلی ولد حاجی رحیم خانم	•	

•	آقا عباس تقی یوف خوئی	•	منات
۱۵	یوسف امینح اوف نصرانی ارومیه	•	
•	محمد جنفر بك تبریزی نایب قونسلو لکری	•	
۱۰	ولاد قفقاز	•	
۱۰	حاجی عبدالعلی احمد اوف تاجر خانم	•	
۱۰	حاجی یوسف یعقوف اوف خانم	•	
۱۰	مشهدی ستار ولد دنیا علی تبریزی	•	
۱۰	اللهووردی باقر اوف قلیسی	•	
۲	آقا شفیق رسول اوف تبریزی	•	
•	مشهدی علی ولد علی آبر تبریزی	•	
•	حاجی عباسقلی رسم اوف خانم	•	
•	مشهدی شکور یاسین اوف تبریزی	•	
•	مشهدی فقیر اراهم اوف محقانی	•	
•	آقا تقی سلیمان اوف سلماسی	•	
•	آقا حسین ولد حاجی مهدی محقانی	•	
•	حاجی قربان ولد علی اکبر خانم	•	
•	محمد آقا ولد حاجی ملا یحیی خانم	•	
•	محمد آقا ولد حاجی علی تبریزی	•	
•	مشهدی عباسعلی حسین اوف دریانی	•	
•	مشهدی آقا جان ولد حاجی دانی مرندی	•	
•	مشهدی یوسف غفار اوف تبریزی	•	
•	مشهدی رحیم ولد کریم تبریزی	•	
•	آقا اسمعیل ولد کربلای اکبر تبریزی	•	
•	مشهدی رسم علی ولد حاجی محمد دریانی	•	
•	مشهدی اسدالله ولد بابا محقانی	•	
•	حاجی اسمعیل محمد اوف تبریزی	•	
•	کربلای محمد رضا کاظموف تبریزی	•	
•	مشهدی موسی محمد اوف تبریزی	•	
•	آقا علی ولد مشهدی محمد تبریزی	•	
•	مشهدی نصراکه ولد احمد آقا محقانی	•	
•	میرزا تقی شفیق یوف تبریزی	•	
•	آقا ولد حاجی قربان تبریزی	•	
•	حاجی محمد باقر محمد اوف تبریزی	•	

منات	محمد ولد حقوردی	۲ منات	مشهدی خلیل ولد جلیل خانہ
۴	محمد ولد میرزا خلنہ	۲	مشهدی علی اکبر ولد ولی خلجانی
۴	محمد حسین ولد مشهدی قربان	۲	اسمعیل ولد بابا
۴	محمد ولد قنبر	۲	مشهدی حسین ولد حسنعلی
۴	رسول ولد فتح اقلہ	۲	کربلای عبدالحسین ولد مشهدی علی
۴	عمود ولد جبار	۲	محمد حسین ولد حبیب
۴	احمد ولد حاجی علی محمد	۲	مشهدی عبداللہ ولد رسول
۴	قلی ولد کریم	۲	حاجی عباسعلی ولد نور محمد
۲	محمد آقا محمد اوف	۲	کربلائی شفیق ولد رفیع تبریزی
جفتان ۵۷۶ منات ۷۵ قبک		۲	محمد قلی ولد خلیل
داستان شکفت و سرگذشت بہتان		۲	مشهدی آقا ولد محمد
(از نمبر ۲۵)		۲	محمد باقر ولد امامعلی
دختران عزیز من - برخیزید تا شمارا بہ نزدخان		۲	حیدر ولد احمد
برم - کودکان فوراً از جا برجستہ از پی (نطقہ) روان		۲	حسینعلی ولد سداقلہ
و بہ اطاق صمدخان داخل شدند - چشم ناہرہ بر شخص		۲	کربلای ابراہیم ولد قربان
تازہ واردی اثناء کہ در پیش رئیس نشستہ بود یکقدم		۲	علی اکبر ولد جبار
عقب برکشتہ بلا اختیار با آواز وحشت ناکی -		یکمنات و نیم	مشهدی حسنعلی ولد حاجی نصر اقلہ
پدرم گفت	منات ۲۵		مشهدی جعفر ولد اسمعیل
بہد جیبہ ہم - آہ پدرما	منات		حاجی بابا ولد ہرام
فی الحقیقہ شخص تازہ وارد پدر کوہکان (موسی)	۴		مشهدی صادق ولد رضا
ستم پیشہ بود کہ در نزد صمدخان حضور داشت حکام	۴		قلی ولد رسم
ورود اطفال این کشتکو فہمین رئیس و (موسی) جریان	۴		حسینعلی ولد رشید
مینمود (موسی) می گفت	۴		مشهدی اسماعیل ولد یوسف
جناب خان بدون تحقیق بنہدہ را مذمت فرمائید	۴		کربلای محمد غفار اوف تبریزی
من پدرم و در خور سزای عفو و مرحمت ا در این	۴		مشهدی فیض اقلہ ولد حاجی عباس
(۲۵) روز نمیدانید کہ تا چہ پایہ معذب و بیجا اندازہ	۴		مشهدی حسن ولد مشهدی حسین
مضطرب بودہ ام	۴		محمد ولد مراد
صمد خان - از شما خواہش دارم کہ مرا در	۴		محمد جعفر ولد صمد
این خصوص آگاہ و باخبر نائید (موسی) خواست کہ	۴		رحمن ولد محمد حسین
آغاز بہ بیان تفصیل کند کہ طفلان را در برابر خود	۴		مشهدی یحیی ولد حاجی بابا
حاضر دید و با کمال محبت ہر دو را در آغوش کشیدہ	۴		مشهدی مختار ولد حسنعلی
گفت	۴		مشهدی حسن ولد محمد جعفر
جگر پارطان من - چہ قبور ضعیف و افسردہ	۴		مشهدی محمدعلی ولد بابا

و همچون گردیده اید - نادره و جلیه از حالت پدر خوب بشکفت اندر شدند - و در مقابل نوازشهای مهربانانه او خود داری نتوانستند بلا اختیار بطرز بسیار معصومانه بدینگونه مقابله نمودند - آه پدرمیز !

(موسی) دختران بیاد را نزد خود نشانده از روی تمویر دست به زلفشان میکشید و مویهاییکه چهار ماه پیش از آن مادر آنان شاه زده بود بسا نمود با انگشتان خود به انتظام دادن و بسمد خان گفت جناب خان - تمجب دارم چگونه است که تا این زمان از جیکوتکی و گذارش بنده خانه با خبر نشده اید؟! این چه پرشی بچاست که مینانی من از کجا حوادث خانه ترا خواهم دانست نه - مطلبها درست ملتفت نشدید

میخواهی چه بگویی ؟

میخواهم عرض نمایم که آیا تا حال از اینکودکان جستجو فرموده اید - و آیا آنان چیزی بشما نگفته اند؟ این سخن عجیبتر از سؤال اولت شد - عزیز من بشما گفتم که هنوز دو سه ساعت بیشتر نیست که بچه هارا برادر زاده ام طاهر بیک آورده است - و چون پریشانی آنانرا مشاهده نمودم روا ندیدم فوراً آنانرا خواسته جویدی احوالشان بشوم - زیرا در نخستین درجه پژمرده و پریشان و محتاج استراحت بودند این را گفته رو به جلیه کرد

ملك خود دخترک من - چنین نیست که گفتم ؟ موسی - حال که چنین است اگر دستور باشد جبهه تبریه فیه چندکله از گذارش خود عرض نمایم بگو به بیم

موسی اولاً تفصیل مرحوم شدن مادر دختران و به تأمل کردن خودرا جبهه تبریه و پرستاری آنان بیان نمود - و فصلی در مدح و ثنای زوجه دومینی خود سرود (که سلیلی حلیم و شغفه و بی ملکه مهربان و ابدآ به مهر و نیت و گذر اطفال راضی نمیدود) ولی

کودکان خودشان با مشارالیها راه نمیروند و راحت نمی نشینند - و در ختم کلام گفت که نادره و جلیه بدون اطلاع من خانه را ترک نموده قایم شده اند - من هم امروز (۲۵) روز است که بجبهه جستجوی آنها کسب و کار خودرا گذاشته بخانه های اقربا و احبا و ایطرف آنطرف دویده و در جستجوی آنان بودم - و نشانه ازکودکان نمی یافتم - مایوس و مکرر نشست بودم تا اینکه رتی آمده خبر داد که دخترات در قریه (برکوش) در خانه (ساله خانم) اقامت دارند - لهذا تا کمال تمجیل و سرور ایجا آمدم (این را هم باید دانست که پدر اطفال در حین صحبت گاه گاه خشمناکه به روی دختران خود مینگریست ولی آن بچارکان ابدآ ملتفت طرز نگاه پدر خودشان نبودند و در انتظار بودند که به پند مال کار بکجا انجامد)

سمد خان - سخنان موسی را در کمال حیرت و رقت استماع نموده بواسطه شفقت و رقت قلبی که داشت بحالت موسی تألف میجوورد - و از بیانات مشارالیه چنان ذهنی او شد که این حادثه که جبهه دختران روی داده از غفلت و مسامحه پدرشان نبوده است -

موسی - در آخر کلام به رئیس گفت - البته بجنابالی پس از استحضار برماجری هویدا گردید که من بچاره يك پدر بی گناه هستم - بی دشواری تحمل این کیفیت از برای يك پدر مشفق از بدیهیات است - ملاحظه فرمائید بچه حالت افتاده ام که از پریشانی هنوز تکلیف مراتب السانیت خود را بجا آوردن نتوانسته ام و در مقابل رأفتی که در حق دختران من فرموده اید بجنابعلما اظهار تفکری نکرده ام !

برادر من کاری نکرده به وظیفه بشریت خود عمل نموده ام - شخص باید بقدر امکان در مساوت برادران دینی خود بکوشد - (باقی دارد)

ششم از حالات تاریخی مسلمانان چین

(عطف باسبق)

کی اسلام در چین از در راه داخل شد یکی از

خشکی در شمال مغرب چین که صوبه (کالسو) و (شانسی) باشد و دیگری از تری در جنوب چین در صوبه (کالسو) بنوعیکه مورخین اطلاع پیدا نموده اند تعداد مسلمانان (کالسو) هشت میلیون و سیصد و پنجاه هزار است از کتب دیگر ظاهر میشود که مسلمانان این صوبه متجاوز از پانزده میلیون میباشد در صوبه (شانسی) مسلمانان را هفت میلیون نیم مینویسد - از کتب دیگر ثابت میشود که اسلامیان صوبه (شانسی) بالغ بر سیزده میلیون میباشد آنچه از مردم شماری جدید چین ظاهر شده تعداد مسلمانان چین بالغ بر پنجاه و پنج میلیون است -

دعای اسلام از وسط آسیا با روابط و تعلقات دوستانه چین و سلاطین اسلام را رابطه و تعلقات دوستانه حاصل بود آن زمان مسلمانان با کمال سرگرمی مصروف ترقیات اسلام و ازدیاد نفوس اسلامی بودند و در ممالک کفر اصطلاح جای مهر نگذارد رفته نتیجه اش را بعد حاصل مینمودند - اهالی چین در قرن دویست عیسوی از هرمان و ممالک عرب واقف بودند ولی تعلقات چینیان با عرب بعد از استقلال یزدجرد که آخرین پادشاهان ساسانی بود پیدا شد و سبب این گردید که پسر یزدجرد فیروز وقتی از دست دشمنان مقهور شد از خاقان چین طلب امداد نمود - خاقان جواب داد که ما این مسافت بعیده شاید من از حیز امکان بیروم - و نمیتوان فزون چین را بمدد تو فرستاد - ولی سفیر خود را نزد خلیفه عثمان میفرستم و سفارش امداد مینمایم - این بود که خاقان چین سفیر مخصوصی نزد خلیفه ثالث فرستاد وقتی سفیر چین خدمت حضرت عثمان رسید در حق او خیلی احترام بعمل آمد - و وقت مراجعت یکی از سپهسالاران عرب را همراه سفیر کرده روانه چین ساختند

در همان سال سپهسالار منبوره وارد خاک چین شد خاقان چین نهایت در حق او مدارات سکرت

و نظر بتواریخ عرب در زمان امارت ولید قطیبه ابن مسلم که حاکم خراسان بود از رود سیحون عبور کرده شروع در پیش قدمی نمود و در تمام مرکهها و جنگها فتح نمایان سکرت - بخارا و سمرقند و دیگر شهرها را بقبضه اقتدار آورد و دین مقدس اسلام را رواج داد من بعد قشون ظفر نمون اسلام حمله بر سرحدات شرقی چین نمودند

بعد از آنکه در سرحد مشرقی چین رسید ایلچی مخصوصی خدمت خاقان فرستاد و خاقان چین هیئت سفارت او را هدایای بسیار داده ببارت اخی بزرگی سلطنت اسلام را تسلیم نموده رخصت انصراف داد - در تواریخ چین تردد بعضی از سفرا را در همان سنوات بدین قسم بیان کرده اند

زمان امارت هشام در اسلام سفیر مخصوصی با تحایف زیاد بدربار خاقان کیلی گردید و در زمان منصور دوانقی یعنی سنه (۷۵۷) عیسوی هیئت سفارت مخصوصی با هدایای گران بها بدربار خاقان کیلی شد و این سفارت در زمانی بود که تجارت مسلمانان در خاک چین روز بروز ترقی مینمود بعد از فرستادن منصور سفیر خود را در چین حالات سفرای اسلامی در ممالک چین مفصل در کتب تواریخ دستیاب میشود - بواسطه ترقی تجارت که از آن زمان به بعد شده روابط اسلامیان با چینیان روز افزون زیاد گردید - و میان سلاطین اسلام و خواقین چین همواره روابط دوستی و تعلقات سلطنتی برقرار بود

پس از آن راه آمد و شد تجار اسلامی در خاک چین باز شد و به همین وسیله دعای اسلامی قدم در چین نهادند - و غالب تجاریکه از بخارا و هرمان که در ممالک توران مشغول بکسب و کار بودند از رود سیحون گذشته خود را بچین رسانیدند - (باقی دارد)

مکتوب از بجیشی

(شمه از احوال سید ابو طالب)

سید ابوطالب - بن سید قاسم علی - بن سید غلامعلی

که از اولاد و اسفاد شمس الحق صرف (شمس چونه) هراتی بود - و یکی از اولاد شمس الحق به ملتان و در قریه (اونچه) بود و باش اختیار کرده و پسرش بنام (رحمتا) به لاهور رفت و پسر او بنام مشایخ از لاهور در موضع (کری) که فریب احمد آباد کجرات واقع است آمد و به (کری وال) ملقب گردید از پشت هشتم او یکی بنام غلام علی بن ابوطالب کری والی در موضع (دهولقه) و (ندوکه) که از مواضع کجرات است آمده سکونت اختیار کرد - آنجا در ایام محرم علم داری و مجلس منا منقذ میکرد - بعد از مدتی به (احمد آباد) آمد و برای سکونت خود مکان و حسیله تعمیر سکرت - در احمد آباد رسوم هندواری مطابق شیعه آنها عمر ادا مینمود - پس از چندی به دهولقه عودت نموده فوت شد - بعد انتقال سید قاسم علی پسرش ابو (طالب) هجرت کرده به کجرات رفت و در خدمت ما در خود قرار گرفت - بعد از آنیکه سنین هجرتش به شانزده رسید ترك زندگانی گفت قبرش در کجرات (متصل تالاب نادرک شاه که مشهور به (درگاه امام شاه صرف بالا صاحب) است میباشد - مرده سید ابو طالب قبرش را تعمیر کردند در عقب آن مقبره قطعه زمین برای قبرستان غمراهی شهر وقف شده و معروف بقبرستان (امام شاهی شیخ کولی است) از این واقعه قریباً شصت سال گذشت -

سید ابو طالب لاوله بود - در مکتوباشی سکه به زبان کجراتی است نوشته که ما پیرو مذهب شیعه اثنا عشر هستیم - و دوازده امام و چهارده معصوم را هادی و راههای خود میدانیم

بعد رحلت سید او طالب مریدان و پیروانش بیاعت عدم علمیت برای پیروان خود ۴۳ قانونیکه در شماره (۲۲) جلالالتین درج بود وضع نمودند - منکه (وزیر کالم) اوله لوزین فرقه بودم لیکن از هدایت هادی مطلق الذین ضلالت و کسبهای بیزار شده و طریقه شیعه اثنا عشریه اختیار کرده - از طرف جماعت

(کانوور) در زبان کجراتی ورقه شایع شده است - ترجمه آنرا برای درج در جلالالتین ذیلاً مینگاریم (اعلان از جانب جماعت (کانوور))

تاریخ ۴ ماه هندی حیت سنه (۱۹۰۵)

اهالیان جماعت در شهر بمبئی و موضع (کانوور) ما صحیح کنندگان ورقه اقرار میکنیم که در جماعت موضع (کانوور) از قدیم رواجیکه جاریست بر آن کار بند باشیم مثلاً حق پیر - دما - مهر - و سؤال وغیره که در جماعت مروج است و بر همین رواج آباء و اجداد ما کار بند بودند - اگر از آن منحرف شویم کهنکار جماعت خواهیم کشت و هر ارتکاب آن هرچه جرمانه جماعت طلب کنند ادای آن بر ما لازم و ضرور خواهد شد اگر کسی از موضع دیگر از جماعت (کانوور) منحرف گشته شامل ملت دیگر شود حق او بر جماعت (کانوور) و بر روضه پیر که در کجرات واقع است و بر اوقاف روضه پیر - باقی نخواهد ماند این اقرار نامه ما را قبول و منظور است -

(ضوابط ذیل را جماعت (کانوور) بتاريخ ۴ سراون) (سنه ۱۹۰۵ منظور کرده اند)

(۱) در بمبئی چند کس از رواج قدیم جماعت ما منحرف گشته اثنا عشریه مذهب اختیار کرده اند و ایشان برای اطلاع ما اشتهار مطبوعه روانه کرده اند و تعداد ایشان نوزده است - اگر کسی از جماعت ما در بمبئی رفته از ایشان ملاقات کند یا بر خانه شان رفته چیزی بخورد کهنکار جماعت است و اگر از ایشان کسی در این موضع بیاید نباید او را کسی در خانه خود جای سکونت دهد و یا چیزی بخوراند چنین کسی البته کهنکار جماعت خواهد بود اگر توبه کند پنجاه پک رویه جماعت از وی طلب کنند تا وقتیکه جرمانه ندهد داخل جماعت نه شود

(۲) هر که از جماعت بخارج باشد کسی بر بمبئی و بر سرزمینهای نزدیکه مجازت با او نکند -

(۳) ۱۹ نفر مذکور که بیشتر از جماعت ما بودند

و حالا از رواج قدیم ما منحرف شده‌اند ازین سبب کنه‌کار جماعت هستند - جماعت از ایشان جرمانه طلب کنند اگر ایشان ادا نمودند داخل جماعت شوند -

(۴) در پیشی آن ۱۹ کس که از جماعت خارج هستند برای مدرسه چنده قائم کرده‌اند در آن چنده کسی از جماعت ما رویه ندهد آرزو داد کنه‌کار جماعت است او خارج از جماعت کرده خواهد شد دستورالعمل مذکور در مسجد رو بروی جماعت خوانده شد و صحیح کنندگان همه قبول و منظور کردند

بیشی

اکنون زیاده از یک و نیم ماه است طاعون بایرانیان سرایت نمود است - يك پسر جناب آقا محمد جعفر تاجر اصفهانی گرفتار گشت صحت یافت آقا محمد اردکانی هم از آن خانه جام مرد افکن یافته چون مردگان بی‌هوش و زبان افتاده ولی (تا ریفه در آب است امید نمری هست) يك ملازم هم از آنجا طازم جهان جاوید گردید

در خانه جناب آقا غلام حسین لاری سکه جلکی نه یا ده نفر بودند هفت نفر باخوش شدند علی نام ایرانی برای خدمت مرضا از خارج آمده بود - طاعون کریبان گیر او هم شده و تاخت خانه رسانید ولی صاحب خانه از تفضلات لم یزلی از خطر نجات گشته و هنوز بادای صدمات و امضای معالجات روز میرد - از شش نفر دیگر پنج تن نوکر هندی بودند سه نفر فوت شدند چهار تنم آقا عبدالحسین برادر کهن آقا غلام حسین بود که

موجب کردند از علاج و از دورا

گشت علت پیش و لحجت تا روا تا اینکه شب بیستم ذیحجه وداع جان و جوانی جهان‌فانی گشت - بوم بیستم چون جنازه این ناکام را از اندرون بیرون آوردند جحصان بار و اظفار بی اختیار اشکبار گشت

کر یو نود ساله بمیرد همی نیست

این مام سخت است که گویند جوان خیزد
لش مغزت نقش را با احترام تمام و از دسام خلص و
تام برداشته تا قبرستان برده و در سردابه یا قبر (سقی)
سکه از حسن نیت آن مرحوم پدید گردید مدفون
نموده و باعطای سائلین و اطعمام زایرین پرداختند
نواب مستطاب (آقا موجول شاه) و اهله و اصیان
ایرانی بعد از قرائت فاتحه جناب آقا قنبرعلی رادر
آن مرحوم را تسلیت داده و عود فرمودند - این نجیب
زاده آزاده جوان سرك هنوز شانزده سرا حل زندگانی
را تمام نکرده و تحصیل علوم اشتغال داشت خداوند

در این مصیبت به برادران عظام آن رضوان مقام اجر و صبرکرامت فرماید رحمة الله علیه و رحمة واسعه -
مقصود اصلی از تحریر و تفصیل شدت طاعون و اتلاف نفوس محترمه این است که به مأمورین قرنطینه سرحدات ایران بویژه خلیج فارس سکه بدلت سکتوت ذهاب و ایاب سفاین و مسافرن محل کمال احتیاط است تجدید یاد آوری و تاکید شود که اخبارات پیشی را بدقت ملاحظه کنند و الشماقة بهتر و بیشتر از پیشتر اطاعت و اجرای احکام در قرنطینه نمایند سکه (علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد) همانا بر مأمورین قرنطینه سرحدات ایران خاصه خلیج فارس از فرایض است که احدی را رها و مستثنی ندارند بویژه این روزها که حجاج از هنگامه و با مراجعت میکنند لهذا باید ملازم و اسباب لازم آماده و مهیا نمایند که مردم کریزان از قرنطینه نباشند - شنیدم هنگامیکه نواب اشرف والا فرماضرا از ابو شهر طازم عقیق طالبات بودند با آنکه در ابوشهر ناخوشی نبود از کلاک تربیت و قاعده دانی با آن همه جلال مرتبت تعزیف فرمای قرنطینه بصره گردیدند ولی جناب آقا میرزا حسن خان عتشم السلطنه باوجود آنکه از میان شورش یورش طاعون پیشی برآمده بود چون جواز وارد لشکرگاه ابوشهر شد به (بناگفته) و

مأمورین فرنیٹینا ایرانی فرموده قضا نوکران را
 بهرجهت منعم از دنیا بدوام آمد ولی لذت آنکه
 بسبب ورود و استراحت و جود ذیجود ایشان موجود
 نباشد و کرد و خبیری زلفهای آوازه و لباس
 پراسته ایشان برسد از کشتی روانه چهار برج و
 دله الحکومه کرده - باری چون اکنون حکومت بنام
 و جزایر فارس سپرده بکف کفایت مالک عدل و علم
 و حکرم صاحب سیف و علم و قلم جناب مستطاب
 رضاقلی خان سلالار معظم است که همیشه مراتب کفایت
 و کاردانی ایشان منظور نظر انور اقدس همایون و در
 هر مأموریت مایه آسایش و دعاگوئی رعایای دولت
 روز افزون بوده و میباشد فلینذا مزید نظام هر اداره
 و حسن هر فایره را دران مقام عهده و اهم از
 توجهت جناب معظم الیه امید میداریم (تا نشیند
 هرکسی آنکه بجای خویشتن)

ایضاً

یکتفر ایرانی که گویند (علی عسکر) نام داشت
 اواخر ذیحجه بیار و به دست خانه (سر جنبی)
 وقت کویا وصیت هم کرده و پول کفن و دفن خود
 را هم داده بود - عاقبت در بیمارخانه رحلت نمود معلوم
 نیست که مسلمین سنت و جماعت او را رداعتد یاغیر
 مسلمین بزند از خداوند خواهانیم که ایرانیان را
 غیره ملیت بخشد قوم ی رئیس مانند لشکر بی سردار
 است اگر ایرانیان بمیشی نیز مثل سایر اقوام انجمن
 بخصوص ولقتد این اقتضاحات درین قوم نجیب فراهم
 نمی آید

تذکره خلیج فارس

بموجبی که وقایع نکار جبلالتین از پیش می نویسد
 نوزدهم ماه باین طرف بالغ برده تقر مسافر ایرانی از
 بنادر بحرین و محرمه بلکه از بوشهر بدون تذکره وارد
 میشی مستطابند نبوت این امر از نظر جهازات
 بلایگو تزیین و لجهی میتواند شد مقصود متذکر حافظین
 مأمورین مازکود است

سرجیه شاید گرفتن به بیل
 چه برکت نتوان کفشتن به بیل

خلیج فارس

§ اخبار روزانه (استیمن) که در کلکته بزبان
 انگلیسی اشاعت میشود از خبر خود چنین مینویسد
 که جهاز جنگی دولت علیه ایران (پرس پلیس) با جمعی از
 بلژیکیها برای اداره عودن کمرک در بندر محرمه رسیدند
 حضرات وقتیکه خواستند بخاک بیایند هرمان ازدحام
 نموده مانع از دخول آنان بشهر گردیده مظهرار
 داشتند که اگر بخاک آمده اند و فتنه برخاسته آنها
 قصوروار نتواند بود - عاقبت جهاز جنگی دولت با
 مأمورین اداره کمرک ناچار عودت به بوشهر نمودند و
 جماعت عربها در حقیقت آنها را شکست فاحش دادند
 مخالفین (یعنی عربها) ظلم داشتند آنگاه که در
 (کومت) برای اسیران ترکی نمودار گردید

جبلالتین

این عنوان را ما مدتی قبله نوشت بودیم بدین
 وضعی که همصرا (استیمن) مینویسد بوده اختلاف
 عربها در ماده اداره شدن کمرک محرمه مانند
 اختلافیست که بدو اهالی بادر و سائر بلاد ایران که
 واقف از مفاخذ اداره شدن کمرک نبوده ظلم داشتند
 مخالفت استرحامی بود یعنی از دولت استرحام مینمودند
 سابق براین نوشت بودیم که جناب مزالسلطه شخصاً
 متصد شده حکه کم کم اصرار را راضی نموده بدون
 هیچگونه مخالفتی اداره کمرک را در محرمه برقرار
 دارند - باقی مطالب آب و رنگی است حکه سعادت
 اخبارات انگلیسی میباشد در عنوانیکه واضح به مالک
 خارجه باشد بدهند

سفرت اعلیحضرت اقدس شهنشاه

(ایران به فرنگستان)

بموجب تکرار اخبارات انگلیسی رسماً اعلان شده
 که اعلیحضرت اقدس شهنشاه در دوازدهم (هجری) ماه
 فرانس رونق افروز (کواکی) خواهد کرد - و

➤ نجف اشرف

§ یوم یغشبه ۱۹ شوال المکرم جناب حاجی (عبود شلاش) که یکی از تجار و اعیان نجف و وکیل شرکت اسلامی در نجف بود این جهان فانی را و داع نمود جنازه اش را با احترام تمام در فاروانسرای ملی آن مرحوم نزدیک مقبره برادرش شیخ محمد مرحوم دفن کردند خداوند بیاز ماندگان آن مرحوم و ده ارجندش (محسن شلاش) صبر عنایت فرماید

➤ حجاج راه جیل

§ اسال حجاج بیت الله الحرام قریب پنجهزار نفر که اکثر اعیان عجم بودند از راه جیل حج رفتند کویا - اسال شرهائی امیر حاج کم بود از این رو امیر حاج از اطراف بغداد از (عکلی ها) سفر بسیار آورد و یوم ۱۴ ذی قعدة حاج روانه شدند مشهور است والی بغداد بجهت امیر جیل امیر عبدالعزیز ۱۵ صندوق تنگ مارین و ۲۰ صندوق فشنگ بتوسط امیر حاج روانه جیل نمود

➤ تشییع جنازه

§ چند یوم قبل باکال احترام جنازه مرحوم حجة الاسلام آقای حاجی میرزا محمد حسن آشتیانی را وارد نجف اشرف کردند تمام اهالی محکم علمای اعلام جمیع دکا این خود را بست با دستهای سینه زن از شهر خارج گردیدند جمیع آقایان علماء و سادات عظام و طلاب در تشییع جنازه آن مرحوم موجود بودند - و با علم و صماری وارد محن شریف کردند بعد از طواف دادن در مقبره مرحوم حجة الاسلام حاجی شیخ جعفر شوشتری طلبه آه تراء دفن شد جناب حجة الاسلام آقای حاجی میرزا حسین حاجی میرزا خلیل مدظله العالی سه روز در مسجد هندی قائم کفاردند و سه روز هم در محن شریف ترحیم میکردند

➤ مکتوب از نجف اشرف

§ مؤید الاسلام - چهل سال قبل که مرحوم حجة الاسلام آقای حاجی شیخ جعفر شیخ فخری اطرافه مقلد

تاریخ یازدهم شهر مزبور (وین ۳) را بقدم هیئت لزوم خود رونق خواهند داد - و از آنجا به (وینس) نرفت فرموده الیه بجددم الی بیست و یکم قیام خواهند فرمود - سپس به ایطالی رفته در (روم) چهار روز توقف نموده - از طریق (ملن - و فرانکفورت) زیفت بخش (برلن) خواهند شد - و از بیست و نهم (مسی) الی دوم جون قیام خواهند داشت - از آن بعد در (کاترکسی ویلی) خواهند رفت - از سوم جون الی سیزدهم جولائی در آنجا توقف خواهند فرمود - بیستم ماه جولائی رونق بخش شهر شهر لندن خواهند کردید - بیست و سوم روانه (کارسبرد) گردیده - بیست و پنجم وارد - و غارده روز توقف خواهند داشت - طاقبت از طریق روسیه بجانب عمالک ایران رهسپار خواهند کردید - بیست روز کامل نیز در خاک روسیه قیام خواهند داشت

➤ طوفان شدید

(در تنکیل)

§ درازدهم شهر جاری طوفان شدیدی در (تنکیل) شده در لحة (۲۰۱) قطعه عمارات را بر باد فنی داد یازدهم شهر ازین بلای آسمانی جان باختند و برجیع عمارات (تنکیل) ازین طوفان صدمه رسیده و مواشی بسیار تلف شده جم غفیری مجروح و کور شده و بسیاری از مجروحین بد حال اند جماعتی بی خانمان شده انبارهای غله که برای زراعت ذخیره نموده بودند بر باد رفته چهار صد نفر از زن و مرد و بچه و جمعی از اطفال مدرسه در کجوجه و بازار به تکدی مشغول اند اطافه که از اهالی شهر به طوفان زدگان میرسد کفایت حال آنها را نمیکند مناسب است که حکومت هند عطف عنان توجه بجانب آن بدبختان فرود اسباب راحت و آسایش بر ایشان فراهم آرد جماعت دهه عیسویه و دیگران یکصد و سی دوییه نقد و ده من هند برنج و سی صد پوچه لباس به طوفان زدگان تقسیم نموده ولی کفایت حال آنها را نمینماید

گر هو آثار قبر بزرگواری را بر میان به بندند که دست مبارکش از دنیا کوتاه است احترام گذشتگان از علما علاوه بر اجر اخروی مورت زری و تشویق علمای حالیه و آتیه میباشد چون تیر بست از شصت رقه و امر بست گذشته امیدواریم برخی ها که بنای ضدیت دارند ترك فرموده بکسایکه لازم است اجازه گرفته در مباحثت امر کوشیده در احترامین دو قبر مبارک در مسامی حمله باره ایستند

ای دوست بر جبارۀ دشمن چه بگذری

شادی مکن نه بر تو همین ماجرا بود

چون امر خیلی نازک و مسئله بسیار دقیق است زیاده بر این ما را یزای حسارت نباشد و از آنچه نیز عرصه کردیم معذرت میخواهیم (والعذر عند کرام الناس مقبول)

اعلان

حیة توسعه داره تجارت سیه جانب و اسمعه نقلی در ممالک روسیه درین پسرانک داشته باشه باحانهای تجارتی معتبره که نوع کلی مایه مذکور داشته باشند میتوانند همه نوع اعتبار خود را معلوم شوده آناییکه حال عمی داشتن اما باشد تکلیف خود را متوقع مکتوباً شو سکنتور شرکت علائق (ل. ا. متسل) اطلاع بدهند که کنظور مدارور به (مسیو ک. ک) برساند -

ادرس برای مکتوب قرار ذیل است

در پترسبورغ (روسیه) در کوچۀ (اشابا)

(مارسکایا) خانه نمبر ۱۱

۱۱۰۰۰

NOTICE.

All advertisements from Europe or with origin from Europe will exclusively be accepted by the

Advertising Agency

L. & E. MEIZL & CO.

MOSCOW AND ST. PETERSBURG.

By its branch establishments and foreign agents - All inquiries from Europe concerning advertising in "Habdul Matin" are to be directed to the abovementioned Advertising Agency."

در این ارض اقدس مشرف شدند - از انس زیادی که بعالم آخرت داشته درسد مقبره برای خود بودند که بعدها مطمع کسی نباشد - تا اینکه یکی از زاویه های صحن مطهر قریب بالای سر منور که خیلی مخروبه بود ملاحظه فرمود که بسیار کوچک و محقر است و چنین جایی ممکن است مطمع دیگری نشود بیهتر بواسطه کوچکی و محقری آن - این بود که آن مرحوم سرداب و در و دیوار و شبک اورا از ملک طلق خود بنا فرمود که تمام اساس و بنای آن ملک خود آن مرحوم باشد ماقبت جنازه آن مرحوم را در آنجا دفن نمودند و جنازه مرحومه عیال ایشان هم آنجا دفن شد - و بواسطه ضیق مقام جنازه بعضی قارب و ارحام و مخصوصاً آن مرحوم را در جاهای دیگر دفن میکردند تا امروز کسی متعرض مقبره آن مرحوم نشده بود چون تمام اهل نجف کاکان اطلاع از وضع و بنای آن داشتند - چند یوم قبل که جبارۀ مرحوم حجه لاسلام آقای میرزای آشتیانی اعلی الله مقامه را در طهران آوردند و بدستگاهیکه اطلاع دارند از آنجا با آنجا وارد نمودند - جنازه در نجف شب جمعه بیست و ششم شهر ذیحجه وارد شد محل دفن آن مرحوم بر همه مخفی بود حتی بر تمام آقایان تا ساعت هفت از شب گذشته باستصواب بعضی که در لباس اهل علم و طلاب علوم دینی اند و بغضی از خدام بدون اذن و اجازه از احدی درهای مقبره آن مرحوم را شکسته در آنجا دفن نمودند - روز جمعه قریب ظهر مردم مطلع شده بسیار این مطلب اساس استیحاخ مردم و افتضاح سلسله اهل علم گردید کویا اکتفا و اقتناع باین امر نه نموده خیال دارند آثار قبر مرحوم آقا شیخ جعفر را مخفی نمایند

جبل المتین

کلی این عین مکتوبیت که یکی از موقین باداره نگاشته اولاً - باید دانست که عقیده ما بر این میباشد که شرف هر يك ازین دو بزرگواران است که در جوار یکدیگر باشد - ولی درین ارض اقدس خصوصاً درباره دفن این جسم مقدس نهوفیالقه اگر مرتکب خلاف شرعی شویم از روی قطع و یقین حقوق مرحوم شیخ جعفر طاب آرامه بر طامۀ مسلمانان کتر از هیچیک از علمای اعلام معاصر ایشان نبوده شایسته نباشد که برخی از روی ضدیت

❖ اخبارات خارجه ❖

❖ بیست و هفتم مارچ ماه ماضی دولت انگلیس بالغ بر هزار نفر قشون بجانب افریقای جنوبی کسبل داشت
❖ در نواحی (لندن) بوژها سه عرادۀ توب از قعون انگلیسی غنیمت یافته اند

❖ (مستر کروکر) رئیس جمهوری سابق ترلسوال دربارۀ جنگ افریقای جنوبی پیشین کوشی کرده میگوید که وقتی بیابان مشور انگلیسی و بوژ صلح خواهد شد که دولت انگلیس خسته شده مجبور به صلح گردد
❖ بیابان آلمار و ستریا هم قریب اتحاد قائم خواهد شد
❖ برای قیام اعلیحضرت اقدس شاهنشاه ایران در پاریس منبری شاهانه تدارک شده است

❖ (مئی) ماه آینده دولت انگلوزی امور جاری را با ما بهالی آنجا اکتفا خواهد نمود
❖ در دولت اسپانیا که از حسرت (کیوبا) خویفتن حکم است

❖ مسلمانان سنکاپور برای راه آهن حجاز الحمن نموده چهار هزار و ششصد و هشتاد و سه (دالر) جمع نموده اند

❖ ماه دسمبر وادت تاج و تخت هولاند از ملکه تاجه بوجه د خواهد آمد

❖ در (شمالی لند) ملای مقتون باز سر برداشته قوتی بسزا یافته است بعد نیست که عمیقاً با قشون انگلیس مقابله نماید

❖ اخبارات داخله ❖

❖ هجدهم اپریل ساعت ده و نیم صبحی در سمرقند و سری نگر - و لاهور - و راس - دیک وقت زلزله خفیفی نمودار گردید ولی در سری نگر بیشتر دوا داشته است

❖ فرمانفرمای هند در (آکره) مقبره (تاجی بی) که از بهترین ابنیه سلاطین اسلام است ملاحظه نموده سپس قلعه و بعضی از مقامات دیدنی را دیده مقبره اعتمادالدوله را مشاهده کرده ساعت چهار عصر پیرن آمده ساعت یازده شب از آکره حرکت بجانب دهل فرمودند چون وقت زیاد نداشتند بعضی از جاهای دیدنی آکره را ملاحظه نه نمودند

❖ بموجب نکارش اخبار (مدراس میل) تلاقی

جناب فرمانفرما با نظام دکن مسئله صوبه (برار) که از دیر باز موضوع بحث بود تصفیه نمود گویا امر بدین گونه فیصل یافته که امارت حیدرآباد دکن صوبه برار را بک مرتبه از ملکیت خود خارج داند و در معاوضه آن حکومت هند سالانه سه ملیون روپیه به امارت حیدرآباد دکن خواهد داد

❖ در بمبئی بزرگان انجمن نموده قرار داده اند که بک انجمن عمومی منعقد شده در آن بحث شود که در تحکذای اعلیحضرت (ادورد هفتم) بجه طریق و اصول از جانب عالیای بمبئی عرض تبریک شود
❖ که صوبه پنجاب سه شنبه وارد (امرتسر) و از آنجا ده نق افروز (فیروز پور) و سپس روانه دهل خواهند گردید تا بوم سه شنبه در دهل قیام خواهند داشت و سه شنبه بلاهور خواهند رسید

❖ بیست و چهارم شهر روار فرمانفرمای هند وارد پشاور گردید مهاراجه کشمیر و سردار قشون پنجاب در ایستگاه راه آهن ایشانرا پذیرائی نمودند

❖ یکصد و هفت نفر از سسایک شریک باوای نواحی (مدناپور) بودند و یکی از افسران پلیس در آن ملوا بقتل رسیده بود گرفتار گردیده در مقام (تاملوک) آورده رئیس بلوایشان نیز گرفتار شده است

❖ بوم چهارشنبه در (دهاک) طوفان شدیدی شده نقصان زیادی وارد آورده بسیاری از عمارات خراب گردیده خیلی از ستون های تلکراف افاده سیمهای آن شکسته است در فقر هلاک و بسیاری مجروح گردیده اند تخمینه یک صد هزار روپیه نقصان وارد شده است

❖ جشن مولود پادشاه انگلستان در لندن سیام (مئی) قرار یافته و در مستعمرات انگلستان نهم ماه نومبر و این خبر را رسماً اعلان داده اند

❖ فرمانفرمای هند از (حیدرآباد دکن) حرکت فرموده هجدهم شهر جاری وارد آکره گردیده و از آنجا رهسپار دهل شدند

❖ بموجب حکم وزیر هند (لارڈ سکرزن) حاکم صوبه برتگیس را (که در خاک هندوستان است) در حسن تاجگذاری (دهل) دعوت نموده حکومت

مشارکتها نیز قبول این معنی را نموده است
§ افواه است که نواب (داهاک) برای تعمیر دارالاندوز
(انجینیری - مهندسی) یکصد هزار روپیه بذل و اعانه نموده
است - (درمن پشاه ابه قناظم) نواب سلیم الله خان
پسر آن بدویست که در کارهای عمومی خیرترین
مسلمانان بشمار بود خداوند رحمت بکند نواب
احسن الله خان را که برای مسلمانان در ملل خارجه
بهترین مثال بود

§ مرض محس (دنکوا) در شهر رنگون خیلی
انتشار یافت ولی تاکنون جز یک نفر ازین مرض تلف
نگردیده

§ اخبارات انگلیسی می نویسند که در (کویبه
تکرکی بورن) چهل توله - یکجا متعلق (باریه
و تا پنج دقیقه درام داشته و نقصان پیدا رسانیده
است

§ مدیر روزنامه وطن که لحق در بین اخبارات
اسلامی مقام مزیع دارد دفتر اعانه باسم (راه آهن
حجاز) بار عمده تاکنون چهار قسط فرستاده
چهل سه هزار و هشتصد و ده روپیه ارسال داشته
مادرم در صد جمع بودن وجه اعانه می باشد

§ اخبار (وکیل امرتسر) و (بنده اخبار) لاهور
بیر که هر يك در مقام خود در اخبارات اسلامی
و نظیرند باسم راه آهن حجاز دفتر اعانه باز نموده
میانی هتکفت تاکنون وجه فرستاده اند خداوند این
کوه اخبارات را در احلامیان زیاده فرماید

§ (ملاحدی) که در جنگ سرحد هند مشهور آفاق
گردید و علم جهاد بلند کرد وارد کابل گردید حسب
الحکم امیر در مسجدی مخصوص او را جای داده اند
این مقوله اخبارات انگلیسی است

§ وزیر داخله عمیت وزیر خارجه هند و رئیس کل
تکراخانهای هندوستان برای ملاقات فرمانفرما در
دهلی رفته اند

§ در ایام تاجگذاری دهلی انتظام بسته موقوف برای
(دولت رام می - آی - ای) خواهد بود

§ در رنگون حریق واقع شده خانه های بسیار
با انشالیبت آنها سوخته است چهل پنجاه هزار روپیه
تقصان وارد آورده

§ مجددا در پیش انقضاء مجلس شده درباره جمع
آوری اعانه راه آهن حجاز سعی و اقدام می نمایند
این امر نیز در مجلس فیصله شده که آنگاه جمع شود
بلا واسطه حد اسلامبول تسلیل دارد - این مسئله
نیز در موضوع بحث بوده که تمغه های نفی و طلال
نکساییکه دامن همت بر گمر رده وجه اعانه جمع می نمایند
تورج خواهد شد

§ در هفته که آخر آن بیستم شهر خانی بود عده
مدلائ طاعون در (وایچی ۱۳۲۱) بود و تلفات
آر (۱۱۷)

§ هفته که آخر آن در هم اپریل و در راه
هند ستان تلفات طاعون (۱۹۲۱۲) شد و در
هفته قبل از آن تلفات طاعون در راه ۱۲۰۳ بود
ازین نوزده پیشور قریب عمده که در هر یک يك هند
مرض طاعون در هر خیلی محبت افه است

➤ عرادی عالی کاکته ➤

§ با اینکه ایام محرم در کاکته شدت طاعون در
رونق مجالس روضه روزه ساله پیش بود که محو هم
شرح جمله مجالس را که در کاکته و منیا روح و
آلی آج ر غره باشد و بعد خارج ر کسبش
و بعد آن اخبار است که علی رسم به یو همه
بعضی ر مجالس معده و اقبلا مدکایم

§ در حسدیه عالی مرحوم حاجی لریانی حرم
خانم فارین اعادین ر و حیات حاجی علی محمد
و حباب حاجی محمد جمع ر قرار دادن ر مرحوم
علی لرسم دهها سورا ر هرادی معمل کرده و
رو هشتم و عاشورا بر ناکان اهتاه و آرسنجی علم
ارون آوردند و هر شب طعمادری به غربا نیز میشد

§ جناب آقا میرزا کاسم مشکی زده شب روضه
خوانی نموده و دور هفتم و یوم عاشورا بر ناکال انتظام
و رونق علم میرزا مهدی مشکی که والد ماجد ایشان
است بیرون آورده

(باقی دارد)

➤ کاکته ➤

§ شب چهارشنبه چهاردهم محرم کسوف کامل جرم
قررو از ساعت يك شب الی ساعت دو فرا گرفته بود
§ خان بهادر مولوی بدرالدین حیدر که در پلیس

کلکتہ بمبیدۃ انتخاری مجسرتی مقرر و ازین عہدہ استعفا
 دادہ بود حسب الحکم حکومت بنگال در پلیس علیپور
 همان عہدہ مجدداً برقرار کردید

§ شب در شب گذشتہ طوفان شدیدی در کلکتہ شد
 چنانچہ بعضی درختہای کہن از شدت ہوا از پای
 درآمد و سیمہای نذر آف ، متوالہای ترموہ برقی ،
 بسیار در ہم شکست حیلی از عمارات را ہم نقصان
 رسانیدہ است

§ آرزو بہادر - مدیر اخبار عمومی - آئی ۔ اے ۔
 مہتمم انجمن (مجمعہ اسلامیہ) روتق اقدوہ دہلی
 شدہ کہ شرکت در انجمن عمومی مسلمانان کہ در دہلی
 منعقد میشود حمایت ۔ در آن انجمن در مادہ قدیم
 نمودن تہنیت نامہ مخصوص در ناجگذاری اعلیٰ حضرت
 (ادورد ہفتر) توسط فرما فرمایند مدحت جوہر شد
 و این انجمن عمومی مسلمانان در دہلی دیروز منعقد گردید
 § خان بہادر حاجی مولوی میرا شجاعت علی یک
 نیز در دہلی ، ای شرکت در انجمن عمومی مسلمانان
 دعوت شدہ روانہ شد

§ یوم چہار شنبہ گذشتہ نیز در کلکتہ طوفان شدیدی
 شد این روز نقصان از ہوم دوشنبہ بیش رسید دو جہاز
 خرق و دیگری کہ در آن علف خشک بود آتش
 گرفتہ و بعضی از عمارات را ہم نقصان رسانیدہ است
 و درختہای بسیار از بیخ کنندہ مقتولہای ترموہ
 برقی و سیمہای تلگراف بسیاری را شکستہ است

§ از ابتدای محرم تاکنون غالب ایام ابر و باران و ہم
 طوفان بودہ تا این ہمہ کرما بدرجہ کمال است مرض طاعون
 قدری تخفیف یافتہ عدہ تلفات طاعون ہمہ روزہ از
 ہشتاد الی صد نفر است و تمام اموات کلکتہ روزانہ
 بیست و پنج نفر میرسند امراض دیگر کہ مورث
 شکایت عمومی باشد نیست بقرار سنوات قبل مرض
 طاعون نیز باید ازین بہ بعد تخفیف پذیرد مردمان
 فرومایہ و بوکر پیشہ از خوف طاعون بسیاری فرار
 از کلکتہ نمودہ اند ازین رو کارہا بر مردمان متوسط
 سخت است

§ چند ہوم قبل یکی از طایفہ سروار سوار کالسکہ
 شدہ برای کاری در (ایر سرکلر رود) رفته با
 کالسچی پیادہ شدہ مصروف کار خود گردیدند

یکی از دزدان دلیر کالسکہ را خالی یافتہ سوار شدہ راہ
 خویش گرفت بعد از تجسس زیاد در (چیت پور رود)
 گرفتار شدہ محکمہ پلیس شش ماہ حکم مجسٹری داد
 (تأسف)

§ جناب سلالۃ الاطیاب آقا سید حسن خان مرحوم
 آقا سید مرتضی تاجر شوشتری کہ نیرہ دختری جناب
 جلالت نصاب آقا حاجی سید صادق تاجر شوشتری (کہ
 امروز سمت ریاست و سرپرستی عامہ ایرانی نژادان
 کلکتہ را دارند) پسر از مدتی علالت یوم چہار شنبہ
 چہاردم محرم الحرام در حالتیکہ بالغ و سی مراحل
 زہکانی را طی نمودہ بود این جہان فانی را وداع
 گفتہ حکر خودی و بیکانہ را از داغ خویش سوزاند ۔
 از آن مرحوم یک دختر کہ از صبیۃ خالوی خودشان جناب
 آقا سید محمد علی تاجر شوشتری است بیادگار ماندہ
 این جوان سعادتمند در مہتہای بی آراری و خوش
 اخلاقی بود ۔ در امور تجارت و دفتر داری و حساب
 دار در قوم خود تالی نداشت جنازہ آن مرحوم
 را حسب الوصیت ایشان برای فرستادن بقبای امانت
 گذاردند وصی ایشان جناب آقا سید ہادی خالوی
 دیگر آن مرحوم است خداوند تمام بازماندگان آن
 مرحوم خصوصاً جناب مستطاب حاجی سید صادق
 تاجر شوشتری و جناب آقا سید محمد علی صاحب تاجر
 شوشتری صبر جزیل و اجر جہیل عنایت فرماید و
 آن مرحوم را فریق رحمت خود دارد رحمتہ علیہ
 رحمتہ واسعہ

(تشکر مخصوص از جانب ارباب علم کلکتہ)

(خدمت کثیر صاحب)

§ طامہ شیعمان خصوصاً ایرانیان سہا وراث مرحوم
 حاجی کر بلائی محمدخان دارابی و مرحوم حاجی میرزا
 مہدی مشکی رحمتہ علیہما کہ متصدی بیرون آوردن
 علم ایرانیان در کلکتہ میباشند دربارہ انتظامی کہ درین
 سہ روزہ علم از ادارہ پلیس مشہود آمدہ و ملیاب
 ہر اہی صمیمانہ کہ کثیر صاحب درین سہ روزہ نسبت
 بایشان فرمودہ کمال تشکر و امتنان را از صمیم قلب
 ظاہر میبایند و ترقیات ایشان و دوام و بقای دولت
 نغیمہ انگلیس را کہ عینی آثار ہر مذہب اند از
 خداوند خواستکارند

اداره جبل المتين

(مدیکل کالج استریت نمبر ۴)

کلیه امور اداره

(یامدیر کل مؤید الاسلام است)

منیجر اداره

(آقا محمد جواد شیرازی است)

هر دو به طبع

(و سه شنبه توزیع میشود)

بتاریخ دوشنبه

(۴ - محرم (۱۳۲۰) هجری)

مصادف با

(۱۴ - اپریل (۱۹۰۲) میلادی)

روزنامه مقدس

(سنه ۱۳۱۱)

قبل از دریافت نمودن قسم مخصوصه اداره هیچ يك از خریداران نباید قیمت اخبار را ناعدی تسلیم نمایند

كَلَامُ الْعَرَبِ

دمه دار صحت و سقم اعلا ناپیک در سار داده میشود همان کسار میباشد که علان داده اند

اجرای اداره دم دار صحت و سقم عواناتی هستند که از طرف خود مسکارد به عوانات وقایع نگاران و صاحبان مکاتب و مهولات یا ترجمه از سار خرید

قیمت اشتراك

(سالیانه - شش ماهه)

هند - و برده

(۱۲ روپه - ۷ روپه)

ایران - افغانستان

(۴۰ فران - ۵۰ قرنی)

عثمانی - و مصر

(۵ مجیدی - ۳ مجیدی)

اروپا - و چین

(۲۵ فرانک - ۱۵ فرانک)

روسه و ترکستان

(۱۰ منات - ۶ منات)

(در این جریده هرگونه علوم و وقایع سیاسی و منافع دولتی و فواید ملتی بحث میشود)

(مراسلات عام المصحه مقبول و در انتشارش اداره آزادست)

اشهار

کارخانه چیت بدل حریرسازی و خانه تجارتی

(اندری بندر ناپسرانش) از شهر سرانوف (در روسیه)

در مغازنهای این خانه تجارتی اشیاء ذیل بمصرف فروش میرسد

چیت های ابریشمی - و نیم ابریشمی - و ابریشم نما - و تمام پنبه

از رخت : پیراهن زبری و آهاردار و زیرجامه و غیره ، قسم حاضر و موجود است و فرمایش هم

قبول میشود از جورابها و ساق کشها و غیره هم نوع موجود است

نیم نشه زنانه هم نوع و همه رنگ

نیم نشه زنانه معمولی و ابریشمی و همچنین بایرقو و غیره

روشواری زنانه ابریشمی ارتاقه حریر و هم باق

مغازنهای این خانه تجارتی واقند

در شهر مسکو یکی در کوچه (ایابن کادرخانه کونجیکو الجستوا) - و دیگری در کوچه (بطروف کادرخانه

روداکوف) - در شهر سرانوف کوچه (نیکلابوسکی برابر موزی) - در بادکوبه (در پاساژشاکیدانوف)

کتابچه اصول نمونجات از مسکو مجاناً جبهه خریداران محترم فرستاده میشود

این خانه تجارتی فروش میکند هم بطور کلی و هم خورده فروشی